

فصل پنجم

تحلیل آموزشی

Educational Analysis

تحلیل آموزشی:

تحلیل آموزشی فرایندی است که از طریق آن هدف نهایی آموزشی به وظایف یا اعمالی که شاگرد باید انجام دهد یا معلومات و مهارت هایی که پس از اجرای آموزش باید کسب کند ، تقسیم می شود.

فرایند تحلیل آموزشی شامل مراحل زیر می باشد :

۱- تبدیل هدف کلی (هدف نهایی آموزشی) به اهداف جزئی (اهداف مرحله ای آموزشی)

۲- تبدیل هدف جزئی (هدف مرحله ای آموزشی) به اهداف رفتاری (هدف های اجرایی)

۳- تعیین نوع ارتباط بین هدف های کلی و جزئی

۴- تعیین رفتار ورودی

۵- ارزشیابی تشخیصی

۶- تعیین نخستین گام آموزشی

هدف های کلی آموزشی:

به آن دسته از اهداف آموزشی که به صورت عبارت های کلی بیان می شوند، هدف های کلی آموزش گفته می شود؛ مانند مثال زیر :

- آموزش و پرورش باید توانایی های ذهنی شاگردان را پروراند .

هدف های کلی آموزشهای (هدف نهایی) هدف هایی هستند که به صورت مبهم بیان می شوند و ممکن است در مقایسه با هدف های مرحله ای در مدت زمان بیشتری تحقق پذیرد . این گونه هدفها ، به عنوان نوعی انگیزه به کار می رود. این هدفها، فعالیتها و هدفهای مرحله ای و رفتاری را که در نهایت امراز نظر آموزشی با ارزش هستند، روشن می کنند و به آنها جهت و هماهنگی لازم را می بخشند و به معلم امکان می دهند تا تمام فعالیت های لازم را برای کسب دانشها و مهارتهای جدید برای شاگرد طراحی کند

هدفهای جزئی (هدفهای مرحله ای):

هدف کلی جهت حرکت را مشخص می کند ، در حالی که هدف جزئی مقاصد را می سازد و در نتیجه ، نسبت به هدف کلی دارای جنبه های عملی بیشتری است . نکته مهم ، نسبی بودن هدفهاست ؛ مثلاً هدف کلی یک درس را می توان به دسته ای از هدف های مرحله ای تجزیه کرد . هدف های مرحله ای نیز ممکن است هر یک ، هدف

کلی فصلی از آن درس شوند و هدف های جزئی تری از آنها سرچشمه بگیرد .

هدف های رفتاری (هدف های اجرایی):

هدف های رفتاری یا هدف های اجرایی به آن دسته از هدف ها گفته می شود که نوع رفتار و قابلیت هایی را که انتظار داریم شاگرد پس از یادگیری مطلبی خاص به آنها برسد ، مشخص کند . هدف های رفتاری چون بر رفتار نهایی تاکید می کند ، معیار خوبی برای مشاهده و اندازه گیری میزان یادگیری شاگردان خواهد بود.

یک هدف رفتاری خوب باید دارای ویژگی های زیر باشد :

(۱) رفتار مورد مشاهده، باید دقیقاً مشخص باشد. یعنی هدف به گونه ای بیان شود که مانع ایجاد سوء تفاهم گردد.

در تعیین هدف های رفتاری، باید انتظارات معلم از شاگردان به روشنی مشخص شود.

(۲) موقعیتی که رفتار باید در آن مشاهده شود (یا انجام گیرد) مشخص شده باشد. یعنی در تنظیم هدف های رفتاری ، بیان موقعیت کاملاً ضروری است؛ زیرا نه تنها شاگرد از موقعیتی که با در نظر گرفتن آنها ارزیابی خواهد شد آگاه می شود ، بلکه ذکر موقعیت برای معلم و شاگرد وسیله ای است برای اجتناب از سردرگمی و آشفتگی در عمل .

(۳) سطح اجرا (درجه موفقیت) باید دقیقاً مشخص باشد. یعنی سطح مشخصی از یادگیری که از قبل به وسیله تعیین کردن هدف مشخص شده است، معیاری است که با آن ، موفقیت شاگرد در رسیدن به هدفهای آموزشی سنجیده می شود.

مثال: مثال زیر دارای سه ویژگی یک هدف رفتاری است :

با در دست داشتن فهرستی از ۳۵ عنصر شیمیایی ، دست کم ظرفیت ۳۰ عنصر را به یاد آورید و بنویسید .

}	رفتار مورد نظر : به خاطر آوردن و نوشتن
}	موقعیت : داشتن فهرستی از ۳۵ عنصر شیمیایی
}	سطح اجرا : دست کم ۳۰ عنصر

نقش هدف های رفتاری در فرایند تدریس

هدف رفتاری به معلم کمک می کند تا نحوه ظهور رفتارهایی را که از شاگردان انتظار دارد با دقت بیشتری مشخص کند و بر اساس آنها ، برای رسیدن به اهداف تعیین شده ، مواد آموزشی و روش تدریسی مناسب را انتخاب کند .

به طور کلی ، هنگامی که معلم به طراحی آموزشی می پردازد ، هدف های رفتاری ممکن است در موارد زیر به او

کمک کند :

۱. سبب شدند که او برای تحقق آن هدف ها ، مطالب آموزشی مناسبی انتخاب کند .
۲. راهنمای خوبی برای انتخاب روش مناسب تدریس و رسانه های آموزشی مختلف باشند.
۳. راهنمای خوبی برای طرح سوالات ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باشند .
۴. موجب شوند که شاگردان دقیقاً بتوانند در هر مرحله از آموزش ، پیشرفت خودشان را دقیقاً ارزیابی کنند.

رعایت هدفهای رفتاری :

۱. تدوین هدفهای رفتاری منجر به ایجاد صلاحیت ها ومهارتهای جزئی و بی اهمیت می شود .
 ۲. تدوین هدفهای رفتاری خلاقیت و ابتکار را در فعالیتهای آموزشی محدود می کند .
 ۳. تدوین هدفهای رفتاری تدریس را روی حقایق متمرکز می سازد و رفتار پیچیده وعالی تر را از نظر دور می دارد .
 ۴. تدوین هدف های رفتاری آموزش را غیر قابل انعطاف و غیر انسانی می سازد .
- البته این اعتقاد زمانی وارد است که طراح یا معلم ، خود را اسیر هدفهای رفتاری تلقی کند و در فعالیتهای آموزشی ، هیچ گونه انعطافی از خود نشان ندهد .

مراحل تحلیل آموزشی

الف) تبدیل هدفهای کلی (نهایی) به هدفهای جزئی

برای قابل استفاده کردن هدفهای کلی، باید آنها را تجزیه کرد و به صورت هدفهای جزئی(مرحله ای) درآورد

ب) تبدیل هدف های جزئی (مرحله ای) به هدفهای رفتاری

هدفهای جزئی باید به گونه ای تقسیم شوند که مهارتها و فعالیتهایی که انتظار داریم شاگردان در پایان دوره آموزشی از خود بروز دهند و شرایطی که با وجود آنها این مهارتها و رفتارها باید شکل بگیرند ، مشخص شوند .

هدفهای رفتاری نیز ممکن است به دو دسته تقسیم شوند :

- ۱- هدفهای اجرائی نهایی، رفتاری است که شاگرد پس از پایان آموزش باید از خود نشان دهد .
- ۲- هدفهای اجرائی مرحله ای، رفتاری است که باید شاگرد ضمن آموزش و قبل از رسیدن به هدف های اجرائی نهایی از خود نشان دهد.

نکته مهم: هدف های مرحله ای هدف هایی هستند که با تحقق آنها ، شاگرد به هدفهای اجرایی نهایی می رسد، در حالی که فعالیتهای یادگیری روشهای آموزشی است که شاگرد را در رسیدن به این هدف ها یاری می دهد و نباید این دو را با همدیگراشتباه گرفت.

پ) تعیین روابط هدفهای اجرایی نهایی با هدفهای اجرایی مرحله ای

در تحلیل آموزشی ، هدفهای اجرایی را باید به گونه ای مرتب کنیم که یادگیری ساده در پایان و یادگیریهای مشکل در بالا قرار بگیرد، زیرا مشکل ترین یادگیری (مهارتهای اصلی) هدف اجرایی نهایی است و یادگیریهای ساده تر (مهارتهای فرعی) در مقایسه با هدفهای اجرایی نهایی ، هدفهای اجرایی مرحله ای به شمار می رود. در ضمن ، سلسله مراتب هدف کل اجرایی مرحله ای نیز باید بر اساس ارتباط آنها با یکدیگر تعیین شود. معمولاً هدفهای اجرایی نهایی با هدفهای اجرایی مرحله ای و این اهداف با همدیگر به سه صورت ارتباط دارند.

۱. ارتباط هدفها با هم به گونه ای است که هدفهای پائین تر ، پیش نیاز هدفهای بالاترند . ارتباط چنین اهدافی را با هم ” **ارتباط تسلسلی** ” یا ” **ارتباط متوالی** ” گویند.
۲. آموزش مطالب مربوط به هر هدف ، پیش یا پس از هدفهای دیگر امکان پذیر است ، این ارتباط را ” **ارتباط هم تراز** ” یا ” **ارتباط موازی** ” می گویند.
۳. در بیشتر مواقع ، ارتباط هدفهای اجرایی حالت ترکیبی دارد ، یعنی اجزای هدف اجرایی نهایی را یک سلسله ” **هدفهای تسلسلی و هم تراز** ” تشکیل می دهند.

ت) تعیین رفتار ورودی

رفتار ورودی رفتارها و تواناییهایی است که شاگردان باید قبل از شروع یک فعالیت آموزشی از خود نشان دهند تا بتوانند با موفقیت به اهدافهای اجرایی دست یابند .

ث) ارزشیابی تشخیصی

از طریق ارزشیابی تشخیصی می توان مشخص کرد که شاگردان معلومات ، تواناییها و مهارتهای لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند یا نه . ارزشیابی تشخیصی را معمولاً از طریق اجرای ” سنجش آغازین ” یا ” آزمون رفتار ورودی ” انجام می دهند. بسیاری نیز ارزشیابی تشخیصی را به صورت ترکیبی از آزمون رفتار ورودی و ” پیش آزمون ” اجرا می کنند که این حالت مطلوبتر به نظر می رسد .

ج) تعیین اولین گام آموزشی

معلم نخستین گام آموزشی، یعنی نقطه شروع تدریس خود را مشخص کند. معمولاً برای تعیین نقطه شروع، از ارزشیابی تشخیصی استفاده می‌شود. ارزشیابی تشخیصی می‌تواند دقیقاً مشخص کند که معلم فعالیت جدید را باید از چه نقطه‌ای آغاز کند.

اگر معلمی بدون توجه به تواناییها و قابلیت‌های شاگردان تدریس را شروع کند باید قبل از شروع تدریس درس جدید به ترمیم مفاهیم و پیش نیاز بپردازد. در صورتی که با توجه به تواناییهای ورودی شاگردان تدریس را آغاز کند وی باید عمل تدریس را به صورت جهشی انجام دهد، یعنی آن دسته از هدفهای اجرائی را که شاگردان می‌دانند، در تدریس نادیده بگیرد و تدریس را از نقطه‌ای آغاز کند که آنان نمی‌دانند.